

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمور شاه تیموری
المان - 26 اگست 2011

باز هم یک عمل افتخار آمیز دیگر کرزی

در باره کارهای خوب و کارهای بد "بزرگان" گفته اند:

کار خوب آنست که شخص عامل میخواهد عمل خود را به همه نشان دهد و همگان بدانند که او چه کرده است؟ و کار بد آنست که شخص آنرا از دیگران مخفی انجام دهد و دیگران چیزی در باره عمل او ندانند. اما اکنون کار و یا عمل افتخار آمیز به این دو افزوده میشود و آن این است که در مقابل کمره تلویزیون انجام داده میشود تا همه دنیا ببیند و تحسین کند. امروز این عمل را حامد کرزی در مقابل کمره تلویزیون انجام داد و روی چند بچه ای را که به جرم اجرای عمل انتحاری گرفتار شده بودند، بوسید و به خانه های شان فرستاد. این عمل از نظر جناب کرزی افتخار آفرین بود ورنه در مقابل کمره تلویزیون انجامش نمیداد. گویند حضرت علی کافری را مغلوب کرد و شمشیر به حلقش گذاشت تا کلمه بخواند و مسلمان شود اما آن کافر که تحت فشار پیکر و بازوان حضرت علی قرار داشت، لعاب دهن به روی حضرت علی انداخت. حضرت علی از سینه او برخاست و او را مورد عفو قرارداد و آزاد کرد. زیرا عمل زشت آن کافر منحصر به شخص حضرت علی بود و حق داشت او را ببخشد. آیا عمل این نوجوانان انتحاری هم منحصر به شخص آقای کرزی بود و تنها کرزی را میکشت یاد یگران نیز کشته میشدند و در آن دخیل بودند و حق داشتند؟ بنابراین کرزی نباید بدون نظر و موافقه دیگران در مقابل کمره تلویزیون روی آنها را میبوسید و آزادشان میکرد. سالها قبل در شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ ملنگی گشت و گذار میکرد که "جرنیل ملنگ" نام داشت.

این "جرنیل ملنگ" شخص قوی هیکل با موهای تاب خورده و پریشان، چین کشاد و کشال در بر داشت و بر علاوه او همیشه یک خورجین و چند تبراق بدوش حمل میکرد، که در بین آنان نان قاغ و دیگر ضروریاتش جا داشت. وقتی در بازار شهر از یک سری دیگر میرفت چندین تا سنگ یله گرد بدنالش در حرکت میبودند زیرا نانی را که اهالی به ملنگ میدادند،

ملنگ آنرا بین سگ ها قسمت میکرد و هرگاه جرنیل ملنگ در جایی نشسته میبود سگ ها نیز در اطرافش قرار میداشتند.

یک روز بر تخته پیش روی دکانی نشسته بودم که جرنیل ملنگ آمد و در پائین تر درست تحت نظر من نشست، سگ هایش در دور و پیشش حلقه زدند. درحالی که بیتی را زمزمه میکرد به جست و جو در جیبها و دستار و آستینهای خود شروع کرد. با تعجب مشاهده نمودم که شپش های چست و چالاک اعم از خرد و بزرگ مانند سیل مورچه در روی لباس روی، سینه و آستینهای او در حرکت اند و جرنیل ملنگ آنها را از همه جا جمع میکرد و در یخن پیراهن خود می انداخت.

هرگاه عمل حامد کرزی را با این عمل جرنیل ملنگ مشابه دانسته ام، شاید گزاف نگفته باشم. دیده شود که نظر دیگران در باره چه خواهد بود؟ با احترام